

## انهدام بزرگ‌ترین نگاه‌های قمار آنلاین مرتبط با انگلستان

وزارت اطلاعات دیروز شنبه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در پی ۱۴ ماه تحقیقات و رصد‌های پیچیده اطلاعاتی و با مساعدت قوه قضاییه و بانک مرکزی، بزرگ‌ترین شبکه سازمان یافته قمار و شرط بندی اینترنتی که توسط مبادی مستقر در خارج از کشور مدیریت و راهبری می‌شد، شناسایی و منهدم شد. این اطلاعیه ادامه داد: این شبکه که توسط باند‌های مرموز مستقر در انگلستان تأسیس و هدایت می‌شد، توانسته بود مبالغ کلانی از سرمایه‌های ریالی

و ارزی کشور را با استفاده از ۲۵۰۰۶ حساب و ۱۲۰۰ درگاه بانکی اجاره‌ای و ۵۴ سایت بزرگ قمار و شرط بندی در اختیار بگیرد. وزارت اطلاعات یادآور شد: شبکه مافیایی لندن نشین برای اغوای قماربازان طماع، بخشی از وجوه دریافتی از آنها را به عنوان عایدی قماربه حساب قماربازان و ریزویش کلانی را به انگلستان منتقل می‌کرد. از یافته‌های بسیار قابل تأمل آن که دولت انگلستان با دریافت مالیات هنگفت از وجوه متقلبانه و نامشروع از پولشویی

و سایر فعالیت‌های تبهکارانه باند لندن نشین چشم‌پوشی کرده و عملا مسیر اقدامات مجرمانه را برای خلافکاران هموار می‌کرد. براساس این گزارش، فساد شبکه مستقر در انگلستان صرفا معطوف به اعمال تبهکارانه مالی و پولشویی نبوده، بلکه مضاف بر آن، به دنبال شکل‌گیری جریانی رسانه‌ای برای قیج‌زدایی از ارزش‌های اسلامی، ایرانی و عادی‌سازی فرهنگ منحط قمار در جامعه اسلامی ایران بودند.

چرا میزان مشارکت ۲۵ میلیونی مردم در انتخابات ۱۱ اسفند در فضای بین الملل مهم است؟

# انتخابات؛ پاس گل به دیپلماسی

**انتخابات به صورت شکلی به پایان رسید اما اثر وضعی نوع و میزان مشارکت مردم همچنان مستمر است و باید مشارکت مردم در انتخابات ۱۱ اسفند را واقع‌بینانه ارزیابی کرد. در واقع برای درک روایت واقعی از مشارکت ۴۱ درصدی مردم، باید به دو سؤال پاسخ داد: اول این‌که شرایط داخلی ایران در حال حاضر چگونه است و دیگر این‌که ایران اکنون در کجای معادلات جهانی قرار گرفته است؟**

□ □ □

وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران ۱۴۲ یک‌سپار متفاوت از سال‌های گذشته است. ۱۲۰ سال از اعمال بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های اقتصادی علیه مردم ایران می‌گذرد. ایران از ابتدای انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تحت تحریم‌های آمریکا و اروپا قرار داشته اما در ۱۲ سال گذشته یک بسته تحریمی بی‌سابقه از سوی دولت و کنگره آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه اروپا علیه ایران به کار گرفته شد. آمریکا و اتحادیه اروپا به صورت مشترک حوزه‌های نفت و انرژی، تجارت بین‌المللی، بیمه، کشتیرانی، صنایع دفاعی و موشکی، خدمات بانکی و صنعت هسته‌ای ایران را تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار داده‌اند. البته بانک مرکزی و سپاه پاسداران هم تحریم بوده‌اند اما جدا از این تحریم‌ها، آمریکایی‌ها همه فعالیت‌ها و تجارت‌های مرتبط با حوزه معادن و فلزات ایران را نیز تحریم کرده‌اند. آمریکایی‌ها همچنین صداهادر، نهاد و شرکت خصوصی ایران را به بهانه ارتباط با حوزه‌های تحریمی، مورد تحریم قرار داده‌اند. شدت تحریم‌ها علیه ایران به گونه‌ای است که آنها همه آنچه از دست‌شان برمی‌آید، تحریم کرده‌اند و عملاً چیزی برای تحریم باقی نمانده است.

فهرست و دامنه تحریم‌های آمریکا علیه ایران آن قدر گسترده است که اصطلاحا حساب آن از دست خودشان نیز در رفته است، به گونه‌ای که بعضا برخی نهادها و اشخاص را دو یا چند بار تحریم کرده‌اند! اگرچه آمریکا و اتحادیه اروپا این تحریم‌ها را به بهانه‌های هسته‌ای، حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و... علیه ایران وضع کرده‌اند و مدعی هستند این تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی است اما به اذعان خود تحلیلگران و رسانه‌های غربی، هدف اصلی این تحریم‌ها فشار بر مردم ایران است و به تبع تحریم بانک مرکزی و ایجاد محدودیت‌های شدید ارزی، ارزش پول ملی ایران در برابر دلار کاهش یافت.

### مختصات «تحریم‌های کشنده»

تحریم‌ها موجی از تروم و گرانی را در ایران ایجاد کرد و قدرت خرید طبقات مختلف جامعه کاهش یافت. غیر از آسیب‌های مالی، آمریکا با به شکلی اتحادیه اروپا یا را فراتر نهنداد و در اقدامی غیرانسانی و ضدبشری، سیستم درمانی ایران را نیز به فهرست تحریم‌ها افزودند؛ به گونه‌ای که تامین داروهای بیماری‌های خاص در ایران در مقاطعی دچار اختلال شده و تعدادی از مردم به ویژه کودکان به خاطر تحریم‌های دارویی، آسیب‌های جسمی دیدند تا مفهوم واقعی «تحریم‌های کشنده» که آمریکایی‌ها در باره تحریم‌های ایران به کار می‌برند، مصادیق مشخصی پیدا کند. این سیاست آمریکایی‌ها مختص یک دولت و یک حزب نبوده است. بیشترین تحریم‌ها در دولت اوباما علیه ایران وضع و در دولت ترامپ و پس از آن در دولت بایدن بر آنها افزوده شد.

### کات تا بلوای ۱۴۰۱

آنچه در پاییز ۱۴۰۱ اتفاق افتاد، بی‌سابقه‌ترین عملیات سیاسی، رسانه‌ای و روانی علیه ایران بود. یک اتاق عملیات مشترک شامل

سرویس‌های امنیتی و تیم‌های سیاسی آمریکا، اتحادیه اروپا، رژیم صهیونیستی و برخی حکام مرتجع منطقه علیه ایران فعال شد؛ همه رسانه‌های جریان اصلی غرب به عنوان پال رسانه‌ای این اتاق عملیات فعال شدند. انتشار اخبار کاملاً کذب توسط این رسانه‌ها نیز که خلاف بدیهی‌ترین مبانی و استانداردهای رسانه‌ای است، ماه‌ها به صورت مستمر ادامه داشت. رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نیز به صورت هماهنگ وارد عمل شدند و مصاد پادلارهای بی حساب و عربستان، مدیریت آنتن اینترنت‌نشان را به صورت مستقیم در اختیار گرفت. تلویزیون اینترنت‌نشان روی آنتن زنده خود ساخت سلاح و نحوه حمله به پلیس، سپاه و مراکز دولتی را آموزش می‌داد. در میدان نیز این اتاق عملیات همه ظرفیت‌های بیرونی و داخلی معاندان و مخالفان جمهوری اسلامی را فعال کرد. در ابتدا این هجوم بی‌سابقه به ایران، به بهانه مرگ یک دختر جوان آغاز شد اما به مرور اعتراض به مرگ مهسا امینی، به شورش علیه امنیت ملی و تلاش برای حرکت جمعی مردم ایران علیه ارزش‌های نهادینه شده ملی و مذهبی تبدیل شد.

در کنار تداوم ناآرامی‌ها در داخل ایران، فعالیت‌های گروه‌های معاند و مخالف جمهوری اسلامی در خارج از ایران نیز شدت گرفت. راه‌اندازی راهپیمایی‌ها و تجمعات مختلف در آمریکا، استرالیا و پایتخت‌های اروپایی در راستای

رسوب تصور دارا بودن پشتوانه مردمی اعتراضات در ایران کلید خورد. بلافاصله تشکیلاتی به نام شورای همبستگی شامل باقیمانده رژیم پهلوی، یک خبرنگار بدنام فراری، یک بازیگر دست‌چندم هالیوود، پدر یک خانواده کشته‌شده در حادثه هواپیمایی اوکراینی، یک بازیکن لنین فراری فوتبال و البته سرکرده یک گروهک تجزیه‌طلب گرد آغاز

به کار کرد. تشکیل شورای همبستگی اولاً با هدف منسجم‌کردن مدیریت تجمعات خارج از کشور و ثانیاً به دنبال تقویت ذهنیت عبور از جمهوری اسلامی در افکار معترضان داخلی و خارجی بود. در این میان حضور عبدا... مهدی، سرکرده گروهک تروریست و تجزیه‌طلب کومله در جمع رهبران شورای به اصطلاح انقلاب مهسا شک‌برانگیز بود؛ معمایی که البته به سرعت ماهیت پشت‌پرده آن فاش شد.

### صورت‌بندی اعتراضات سال قبل

در ایران اما اعتراضات به سرعت سازماندهی شده و تغییر شکل داد. اتاق فکر آمریکا، اروپا، رژیم صهیونیستی و ارتجاع عربی عملیات‌های خود را در سه گسل مهم متمرکز کرد: موضوع زنان، اختلافات قومی و اختلافات مذهبی. همزمان با تشدید شورش‌ها روی گسل‌های قومی و مذهبی، پرچم‌های گروهک‌های تجزیه‌طلب در تجمعات خارجی با لافت و به سرعت عناصر و فعالان این گروهک‌ها در اینترنت‌نشان، بی‌بی‌سی، من‌وتو و تلویزیون صدای آمریکا روی روهی شدند و دوربین نشستند. دو ماه پس از شروع اعتراضات، مسأله این تلویزیون‌ها از ضدیت با جمهوری اسلامی به بهانه مرگ دختر جوان، به مبارزه با جمهوری اسلامی ذیل مطالبات تجزیه‌طلبانه تبدیل شد.

البته بعد از سه ماه تجمعات خارج از ایران نیز به واسطه افشای فساد وتباهی سرکردگان شورای همبستگی، رویه کسادی رفت. شورش هاو ناآرامی‌های خیابانی جمع شد اما رد خون‌شهادی مدافع امنیت همچنان بر خیابان‌های شهر باقی ماند. مردمی که سال هاست زیر فشار شدیدترین تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا هستند، چندماه نیز آماج فتنه‌ای قرار گرفتند که امنیت آنها را نیز مخدوش کرده بود؛ فتنه‌ای که بزرگ‌ترین و

بی‌سابقه‌ترین عملیات روانی علیه مردم یک کشور بود.

### امتداد بلوا با تحریم انتخابات

اگرچه بساط این فتنه از خیابان‌های شهرهای کشور جمع شد اما بازوهای رسانه‌ای آن در خارج از ایران و عوامل داخلی آنها، خط امتداد آن را در مسائل داخلی دنبال کردند. کارویژه جدید فتنه ۱۴۰۱ از چند ماه قبل روی انتخابات ۱۱ اسفند متمرکز شد.

آنان که در خیابان‌راه به جایی نبردند و پروژه‌شان برای جنگ داخلی در ایران و در نهایت تجزیه به پس‌بست رسیده بود، در تلاش برای احیای ناآرامی‌های ۱۴۰۱ در شکلی جدید، وارد فاز سیاسی شدند و عملیات «تحریم انتخابات» را کلید زدند. در ماه‌های منتهی به انتخابات و در هفته‌ها و روزهای اخیر همه عناصر دخیل در پروژه شورش‌های پاییز ۱۴۰۱ این بار با کلدیوازه «تحریم انتخابات» دست به کار شدند. چند روز مانده به ۱۱ اسفند یک فایل صوتی از عبدا... مهدی منتشر شد که او در جلسه‌ای خصوصی می‌گوید استراتژی جدید آنها تحریم انتخابات است؛ چرا که با مشارکت پایین، آنها مجدداً از میان جوانان تیم‌هایی برای عملیات مسلحانه در ایران جذب خواهند کرد. همزمان شش حزب گرد تجزیه‌طلب نیز با محوریت کومله و مهدی بیانیته‌ای در ضرورت تحریم انتخابات منتشر کردند.

### توهم مشارکت ۱۵ درصدی

در واقع فایل صوتی مهدی به وضوح نشان می‌داد اتاق فکر و اتاق عملیات فتنه پاییز ۱۴۰۱ این بار تلاش دارد با تحریم انتخابات و ایجاد مشارکت پایین در انتخابات، زمینه را برای احیای آشوب‌ها و ناامنی در ایران فراهم کند. پروژه تحریم انتخابات البته در یک فاز دیگر هم دنبال می‌شد؛ رسانه‌های فارسی‌زبانی که آتش بیار معرکه پاییز ۱۴۰۱ بودند، در هفته‌های اخیر این انگاره را مطرح می‌کردند که پس از وقایع پاییز ۱۴۰۱ پایگاه اجتماعی جمهوری اسلامی به کمترین میزان خود رسیده

### درنگ

### تغییر معادلات منطقه‌ای و جهانی

از مدت‌ها قبل موضوع تشدید فشارهای غرب علیه ایران از سوی رسانه‌های فارسی‌زبان معاند مطرح شد. این رسانه‌ها با تاکید بر ضرورت عدم مشارکت مردم در انتخابات، این اقدام را به عنوان زمینه‌سازی برای تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران و افزایش احتمال برخورد سخت میان غرب و ایران مطرح کردند. همان‌گونه که گفته شد، اظهارات صریح عبدا... مهدی، سرکرده گروهک تروریست کومله به وضوح نشان می‌دهد آنان با پیگیری کاهش مشارکت در انتخابات به دنبال از سرگیری فعالیت‌های تروریستی در ایران هستند. کارشناسان اینترنت‌نشان نیز از مدت‌ها قبل و به بهانه جنگ غزه، حمله نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران را مطرح کرده و آن را یک تهدید کاملاً معتبر برای ایران می‌دانستند. انتخابات دوره دوازدهم مجلس شورای اسلامی و دوره ششم مجلس خبرگان رهبری از همین رو به عنوان یکی از موضوعات انگ‌گذار در نتیجه تلاش‌ها برای ایجاد درگیری نظامی مستقیم میان ایران و آمریکا مطرح شد. آنها معتقد بودند با مشارکت زیر ۲۰ درصد در انتخابات ۱۱ اسفند، ادعای فاقد پشتوانه بودن نظام ایران در جامعه ایرانی تقویت شده و تلاش‌ها برای حمله نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به کشورمان به نتیجه خواهد نشست.

به اعتقاد کارشناسان، این رویکرد نشان داد آمریکایی‌ها در حال طراحی یک مواجهه جدید علیه ایران برای پس از انتخابات ۱۱ اسفند بودند. زمینه این طراحی نیز تصور و برآورد مشارکت پایین در انتخابات و تلقی نداشتن پشتوانه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی بود که البته میزان مشارکت در انتخابات ۱۱ اسفند خط بطلانی بر این ذهنیت بود.

و به جز ۱۵ تا ۱۵ درصد حامیان نظام، کسی در انتخابات شرکت نمی‌کند. در واقع آنان با تصور نارضایتی گسترده مردم از وضعیت اقتصادی و محتمل بودن مشارکت ۱۰ تا ۱۵ درصدی در انتخابات، تلاش می‌کردند این میزان مشارکت را به معنای تعیین میزان پایگاه اجتماعی نظام تفسیر کرده و با استناد به آن، زمینه‌های احیای شورش‌ها با هدف براندازی را ایجاد کنند. متأسفانه در میان جریان‌های سیاسی داخلی نیز بخشی از رهبران سیاسی اصلاح‌طلب در راستای منافع شخصی و جناحی خود بر طبل تحریم انتخابات کوبیدند و عناصر اصلی جبهه اصلاحات نیز رسماً اعلام کردند سیاست آنها در انتخابات، عدم مشارکت است. همزمان برخی رسانه‌های جریان اصلی غرب نیز مطالب متعددی درباره کاهش مشارکت در انتخابات ایران منتشر کردند و همسوا با اتاق عملیات فتنه پاییز ۱۴۰۱، مشارکت پایین تخمینی خود را به معنای فقدان پایگاه اجتماعی نظام قلمداد کردند.

### تکرار نتیجه ۴ سال قبل

در این شرایط، در حالی که فشارهای اقتصادی ناشی از بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها همچنان معیشت مردم را مورد هدف قرار داده و بی‌سابقه‌ترین فشارهای سیاسی و رسانه‌ای ناشی از شورش‌های پاییز ۱۴۰۱ همچنان افکار عمومی را در ایران آماج قرار می‌دهد، ۴۱ درصد واجدان شرایط در انتخابات ۱۱ اسفند شرکت کردند؛ مشارکتی همانند مشارکت انتخابات چهار سال قبل! مشارکتی که سریع‌ترین پیام آن، ناآدمی گرفتن اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ بود. وقتی گفته می‌شود مشارکت مردم در انتخابات ۱۱ اسفند یک حماسه ماندگار است، منظور و مقصود، صرفاً خلق مشارکتی با اعداد شبیه چهار سال قبل نیست، بلکه هاد از این حماسه، شکست همه نقشه‌ها و پروژه‌هایی است که قرار بود با استناد به مشارکت پایین در انتخابات، در ماه‌های آینده با شدت بیشتر رقم بخورد؛ نقشه‌ها و فتنه‌هایی که حتی اگر همچنان در دستورکار معاندان و مخالفان باشد اما قطعاً رقم‌گشته را نخواهد داشت.

تضعیف کشور فعالیت کرده و ضربه کاری که براندازی نظام بود را عملیاتی کنند اما همه این جنب و جوش‌هایی ثمر ماند و شکست رسانه‌ای و تاکتیکی بزرگی را برای آنها رقم زد چراکه نتوانستند به صفوف مردم و حکومت نفوذ پیدا کرده و وحدت بین آنها را زیرین ببرند، لاجرم به فتنه جدید دیگری پناه برده و دست به دامن شورای حقوق بشر سازمان ملل شدند و این شورا در سی و پنجمین نشست ویژه خود در آذر ماه، به تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب جدید برای انجام تحقیقات در مورد گزارش‌های «اعتراضاتی که پس از ۲۵ شهریور آغاز شده، رای مثبت داد.

برده چهارم؛ با تصویب این قطعنامه، شورای حقوق بشر کمیته‌ای حقیقت‌یاب برای بررسی درباره ادعاهای نقض حقوق بشر از سوی تهران در اغتشاشات اخیر، تشکیل داد و این کمیته در گزارشی ۲۱ صفحه‌ای مدعی شده است که جمهوری اسلامی ایران در جریان سرکوب اعتراضات سال گذشته با «موارد جدی نقض حقوق بشر» متکرب «جنایت علیه بشریت» شده است. مسأله‌ای که با نگاه به واقعیت‌های موجود در دنیا و سرکوب مردم توسط نظام سلطه متوجه کاریکاتوری بودن این گزارش‌ها و دروغ بودن این دست‌انهمات می‌شویم.

### گزارش

پشت پرده گزارش مغرضانه کمیته حقیقت‌یاب درباره ایران را بررسی کرده‌ایم

## کمیته ضد حقیقت

این مسأله اذعان کرده‌اند که گزارش‌هایی از اعدام زنان فلسطینی در غزه با کودکان شان وتعدی به زنان فلسطینی توسط اشغالگران صهیونیست دریافت کرده‌اند. اما با وجود همه این گزاره‌ها باز هم نماینده آمریکا در سازمان ملل مخالف هر گونه آتش‌بس و خواستار تداوم جنگ و کشتار زنان و کودکان در سرزمین‌های اشغالی است بدون این‌که هیچ نهادی قدرت چانه‌زنی داشته باشد و گروه حقیقت‌یابی واقعیت زندگی زنان در غزه را گزارش کند زنانی که دغدغه آنها زنده ماندن و تهیه غذا و آب برای زنده ماندن فرزندان‌شان است.

در خصوص جنایت‌های رژیم اشغالگر علیه غیرنظامیان، منتشر و از ابزارهای بین‌المللی برای توقف کودک‌کشی در غزه استفاده می‌کردند این‌که جهانیان شاهد وقوع نسل‌کشی و جنایت قرن باشند و هیچ دستگاه بین‌المللی جرات افشای حقیقت هولناک تروریست بودن رژیم صهیونیست را نداشته باشد. بدون تردید گزارش کمیته حقیقت‌یاب علیه ایران که با چراغ سبزمدعیان غربی حقوق بشر تدوین شده است، خریه دیگری برای اعمال فشار به مردم ایران است و از سوی دیگر مبین این واقعیت اسفناک است که با پایبندی به استانداردهای دوگانه از مسیر فعالیت‌های بی‌طرفانه، مستقل و غیرجانبدارانه خارج و به نهادی برای دخالت در امور داخلی دیگر کشورها تنزل یافته است.

بغض که نتیجه مماشات نهاد‌های بین‌المللی بانسل‌کشی در غزه و سرزمین‌های اشغالی است تا بد در جان آنها زبانه می‌کشد و آنها امدام این پرسش را از خودشان می‌پرسند که چرا جنایات اسرائیل غاصب باعث شد تا دوره نوجوانی و جوانی فرزندان‌شان را نبینند و اگر یک صدم این اقدامات وحشیانه در جغرافیای دیگر نظیر اروپا و آمریکا رخ می‌داد آیا این سکوت مرگبار اتفاق می‌افتاد؟

برده دوم؛ می‌جولان، وزیر برابری و توسعه امور زنان اسرائیل بی‌محبا مقابل دوربین‌ها می‌گوید: «شخصاً به کشتن نوزادان و ویرانی غزه افتخار می‌کنم هر کودک فلسطینی ۸۰ سال دیگر به نوه‌های خود خواهد گفت که یهودیان با ما چه کرده‌اند» اظهارات تحریک‌آمیزی که اگر از سوی شخصی دیگر علیه کودکان چشم رنگی عنوان شده بود، قابلیت این را داشت که تبدیل به مسأله‌ای حقوق بشری شود و

### برش

### ماهیت مزورانه کمیته حقیقت‌یاب

بررسی آرای مثبت و منفی کشور هادر خصوص موضوعات حقوق بشری نشان می‌دهد عملکرد چنین نهاد‌هایی صرفاً حقوقی نیست و منافع سیاسی در آن نقش مهمی ایفا می‌کند. در عین حال تعیین هیات حقیقت‌یاب سازمان ملل برای مجموعه‌ای از کشورها و مصون ماندن مدعیان غربی حقوق بشر از این موضوع با وجود گزارش‌ها، مستندات و شواهد مستدل مبنی بر نقض حقوق بشر در این کشورها، گویای این مسأله است که این کمیته کارکرد حقوقی خود را از دست داده و به ابزاری در دست کشورهای غربی تبدیل شده تا از آن به عنوان اهرمی علیه مخالفان خود استفاده کنند و اگر غیر از این بود طبیعا کمیته حقیقت‌یاب باید لااقل یک گزارش



فرشته مسلمی روزنامه‌نگار

کمیته‌های حقیقت‌یاب، گروهی متشکل از متخصصان امور جنایی، حقوقی، قضایی، پلیسی، مشاوره و مددکاری اجتماعی هستند که از سوی مراجع ملی یا بین‌المللی، با هدف به دست آوردن اطلاعات و کشف حقایق مربوط به انجام خشونت در امور سیاسی یا نظامی، تشکیل و اعزام می‌شوند و گزارش خود را به آن مراجع ارائه می‌دهند. این کمیته در گزارش ضد ایرانی اخیر خویش، سرکوب زنان در ایران را مصادیق جنایت جنگی دانسته است. این مطلب در شرایطی عنوان می‌شود که آمار و ارقام گویای رشد زنان در حوزه‌های مختلف است؛ بیش‌ترقتی که نه فقط شرایط متفاوتی را برای زنان در کشور رقم زده، بلکه در سطح منطقه نیز ممتاز است اما کمیته حقیقت‌یاب با رویکرد مغرضانه خود در تلاش است تا ناکامی عرصه‌های مختلف را در این بخش جبران کرده و تصویری نامتعارف از جمهوری اسلامی ایران مخابره کند. بی‌توجهی سازمان ملل و کمیته حقیقت‌یاب به وضعیت زنان در غزه به تنهایی می‌تواند دروغ بودن گزارش‌های این نهاد را افشا کند که در ادامه به چند مسأله اشاره می‌کنیم.

برده اول؛ سال‌ها و ماه‌هاست که گزارش‌های تلویزیونی و فضای مجازی مملو از تصاویر پدران و مادران فلسطینی است که نوزادان و کودکان در خون غلیتیده خود را در گفن پیچیده و آنها را در غشوش کشیده‌اند و بدون شک این زخم و

